

سه شنبه 04 جون 2019

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسي نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت ششم

گُلی بودی نه وقت چیدنت بود جوان بودی نه وقت مردنت بود
گُلی بودی میان شاخه گل ها نه وقت زیر خاک خوابیدنت بود



به ادامه گذشته:

اولسن استه (Olesen Asta) با دادن ريفرانس در مورد ريسرچ که بالای روحانيون بلوچ
نموده است، مشخص می سازد:

از یک قسمت بزرگ تشریحاتش چنین استنباط می شود که مذهبون اکثراً یا در رقابت بین خود و
یا این که در یک رقابت بین یک روحانی و دشمنان شان که به کدام طریقت مذهبی (Séculiers)
وابسته نیستند، می گوید:

« رقابت ها بین روحانيون تبدیل شده به پرواز های مافوق طبیعت ».

به این ترتیب واقعات زیادی از مشاهدات در نزد بلوچ ها دیده است، که در منطقه بلوچ ها رهبران مذهبی که از یک طرف از اقتدار و نفوذ زیاد برخوردار، و از طرف دیگر در ساحه سیاسی به یک دینامیک رقابتی سیاسی رو به رو می باشند. فلذا یک مراتبه که یک چهره با داشتن این چنین یک قدرت در ساحه سیاست متحد می شود از طرف مخالفین سیاسی اش تحت فشار زیاد جهت مطیع ساختنش قرار می گیرد.

در حقیقت پیر ها (Pir-s) شاید متهم به این هستند که ارزش های مقدس را به حیث یک ابزار شخصی مخصوصاً جهت راه یافتن به قدرت سیاسی به طوری تهدید آمیز استعمال می کنند مانند نمودن ادعا، یعنی که ایشان از یک قدرت روحانی برخوردار هستند که از کنترل انسان عادی خارج است.

با این هم یک شکل سوم روحانیت نیز وجود دارد و آن عبارت از وجهه و اعتبار روحانی است، که با داشتن اعتبار و شهرت خوب موفق به خنثی سازی مخالفان گردیده و می تواند در اکثر اوقات، بعد از اعلان جهاد بالای تحرک وسیع مریدان خود حساب کند. در واقعات که کشور به تهدید مواجه می باشد، با اعلان جهاد قطعات مختلف جامعه همه با هم یک جا بسیج می گردند.

اولسن استه (Olesen Asta) مشخص می نماید:

«از موقعیت سخت و مشکلات مردم در جامعه ملا ها برای ارزش دادن خود شان و رهبران مذهبی و روحانیون برای عملی نمودن رول سیاسی شان استفاده می نمایند».

لنگر ها عبارت از جا هایی که در آن جا صوفی ها برای مریدان خود تدریس می دهند و این ها مؤسسات اند که دارای اهمیت اجتماعی - سیاسی اساسی و عمده در زندگی پشتون ها دارند، و یک مکان اساسی برای اجتماعی نمودن نسل های نو، و ضامن تولید دوباره سمبول های جامعه می باشند. بر علاوه در مقابل تغییر شکل دادن جیوپولیتیک (géopolitique) که توسط رقابت های دو ابر قدرت استعماری، روس و انگلیس آستن گرفت، لنگر های (Lanqar-s) روحانیون صوفی به صورت تدریجی به مکان های فوق العاده بسیج شدن مسلحانه اهالی و انتشار یک شکل نو ی افکار سیاسی تبدیل گردید.

اولفیه روه (Olivier Roy) موجودیت جنبش های مسلحانه مذهبی در منطقه سرحدی از چهار قرن به این طرف، گویا نشان دهنده یک فرهنگ سیاسی مشخص به قبایل شرقی می باشد:

وی می نویسد: «.....قبایل شرقی بسیار به عرف و عادات خود وابسته و خود مختار هستند و هیچ وقت یک کنفدرسیون (confédération) سیاسی را به وجود نیاورده اند، بر عکس از قرن

هفدهم میلادی به بعد به صورت منظم جنبش های بزرگ مذهبی و روحانیون به برانگیختن و مشتعل شدن شان اقدامات زیاد کردند، که همه به ناکامی منجر گردیده، لکن مبارزه معاصر دوام جهاد گذشته می باشد».

طرح (Schéma) برای بسیج نمودن مسلحانه در داخل یک فرهنگ و تاریخ سیاسی که توسط یک لیدر شف، مانند یک شخصیت مذهبی که با توسل شدن به سخنرانی ها و موعظه ها به گرد آوری و تجمع قطعات مختلف قبایل

مبادرت می ورزد، از چهار قرن به این طرف بسیار کم در آن تنوع دیده می شود.

اولیفه روه (Olivier Roy) خاطر نشان می کند که این نمونه در زمان بایزید انصاری (Bayazid Ansari)، تهداب گذار فرقه (secte) روشانییه (Rochaniyya) (1525 - 1585)، یک اورموری (Ormuri) از کنیگورام (Kaniguram) (منطقه وزیرستان) که سبب تحریک نمودن قبایل افریدی، اوروکزی، مهمند و بنگش در حدود یک قرن گردید. وی به حیث رقیب و مخالف خود ملا دروازه (Mollah Darwaza)، یک تاجیک (مرید سید علی شاه در ترمز (termez) (که وی نیز پشتون نبود) و قبایل زیر نام پیر بابا (Pir Bâbâ) به وی حرمت و تکریم داشتند، سبب برانگیختن شورش یوسفزایی ها به دلیل دفاع از سنت گرای می گردید. و بر علاوه:

« سید احمد شاه بریلوی (Barelvi) که ما قبلاً در بالا دیدیم، که باعث برانگیختن قبایل در 1826 میلادی گردید یک هندوستانی است. آخذ صوات که به گمان اغلب یک گجر (Gujar) است، به همه حال یک یوسفزایی نیست.

شامی پیر (Shami Pir)، که سبب شورش در بین سلیمان خیل و وزیر در سال 1939 میلادی گردید، به قسمی که از نام آن بر می آید اصیل سوریه ئی می باشد. فامیل مجددی از هند و فامیل گیلانی از عراق آمده اند.

بالاخره به خاطر بیاوریم که تمام سید ها به قرار تعریف، به حیث یک عنصر خارج از ساختار قبیله دیده می شوند، و به آن ها عرب ها می گویند با وجودی که به زبان پشتو تکلم و از چندین نسل با خانم های پشتون ازدواج کرده اند».

فلهذا این طرح نشان دهنده فرضیه بسیج نمودن قطعات قبایلی توسط یک لیدر شف خارج از قبیله بوده و مخصوصاً دلالت به ترمیم نظم اجتماعی توسط برگشت شرعیت، و فراخوانی به جهاد مسلحانه می نماید.

این طرح بسیج شدن به صورت تاریخی یک چهار چوکاتِ فوق العاده مبارزه علیه استعمار گردیده و هم چنان سبب مقاومت علیه دولت کابل، که می خواهد با افزار نو سلطه گرانه سیاسی سبب تحمیل ادارات دولتی گردد.

ادامه دارد